توسعه پایدار؛ تحلیل گفتمان پرسش بلاغی آیه ترجیعی سوره الرحمن
زهرا سادات روزافزای
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۶ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۴، ص ۱۱۳ – ۱۲۵

توسعه پایدار؛ تحلیل گفتمان پرسش بلاغی آیه ترجیعی سوره الرحمن

زهرا سادات روزافزای[۱]

چکیده: سوره الرحمن با اشاره به آفرینش جن و انس، به بیان انواع نعمت‌های دنیوی و اخروی، و رحمت الهی در آسمان‌ها و زمین می‌پردازد. این سوره حاوی یک آیه بلاغی ترجیعی (برگردان، تکرار شونده) می‌باشد که قالب، مفهوم و تکرار آن از ابعاد و نظرگاه‌های متفاوت علوم مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. پژوهش حاضر به پاسخگویی این پرسش پرداخته است که با توجه به چهارچوب مطالعاتی علم تحلیل گفتمان (مدل ون دایک) و فن بلاغت، پرسش استفهامی و آیه بلاغی ترجیعی «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ» در بافت زمینه‌ای سوره الرحمن چه معنا، مفهوم و کاربردی دارد. به منظور پاسخگویی به سوال این مطالعه، روش تحقیق کیفی توصیفی پدیدار شناسی مورد انتخاب قرار گرفته و مدل مفهومی تحلیل گفتمان ون دایک به کار گرفته شد. نتیجه مطالعه نشان داد که رحمانیت الهی نه تنها عطای نعمات عام، بلکه آگاهی سازی و هشدار به بندگان برای تلاش برای بهره مندی مدام از آنهاست. موضوع و زمینه کلی سوره الرحمن به همراه آیه بلاغی ترجیعی و تکرار شونده آن اهدافی همچون اقرار گیری، بیدارسازی مکرر و مداوم بندگان به وجود و اهمیت برخورداری از نعمتها و آیات الهی، و همچنین هشدار و تاکید به لزوم مدیریت صحیح منابع طبیعی و محیط زیست را در راستای توسعه پایدار در بر دارد. به بیان دیگر، تکرار و پایداری پرسش بلاغی آن سوره در لابلای آیات و کل آن سوره، همراه با برشماری نعمات الهی و طبیعی که اشاره بر عام المنفعه بودن آنها برای کل موجودات تمام نسل‌ها نیز دارد، لزوم مدیریت صحیح توسعه پایدار در استفاده از منابع طبیعی و زیست محیطی را خاطر نشان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: سوره الرحمن؛ تحلیل گفتمان، پرسش بلاغی؛ ترجیع بند (بند برگردان)؛ توسعه پایدار.

---

۱. استادیار موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی اصفهان

مقدمه

بلاغت[۱] یا زیباشناسی کلام یا شیواکلامی از فنون و صناعات ادبی، و شاخه‌های هنری کلام است که همراه با دستور زبان و منطق (دیالکتیک)، یک گفتمان[۲] را تشکیل می‌دهند که خود شامل علوم و فنون معانی، بیان و بدیع می‌شود. موضوع دانش معانی ابزار، صناعات و دگرگونی‌هایی است که در ساخت و بافت جمله، مانند صناعات ادبی، ادوات نگارش و بیان هنری، و شکل‌ها و نمودهای گوناگون در جمله با رفتارها و کاربردهای هنری روی می‌دهد و به جمله کارایی و معنای ثانویه می‌دهد که در اشعار و نوشته‌های ادبی به‌کار گرفته شوند (کزازی ۱۳۷۳). هدف از بلاغت به کارگیری تکنیک‌هایی است که با استفاده از آنها نویسندگان و سخنرانان در موقعیت‌های خاص به ترغیب، اطلاع‌رسانی، برانگیختن یا متقاعد کردن مخاطبان خود دست می‌یابند. در عصر کهن، علم بلاغت را تنها به رشته‌ها و حرفه‌هایی مانند ادبیات، حقوق، سیاست، ارتباطات و تجارت منحصر می‌دانستند. اما امروزه دامنه ی تحقیقات علم بلاغت به زمینه‌های مختلفی، مانند علوم انسانی، علوم ادیان، علوم انسانی، و علوم اجتماعی هم گسترش یافته است (کوربت ۱۳۶۸). از آنجایی که تسلط بر هنر بلاغت برای پیروزی در یک پرونده حقوقی و قضایی، تصویب طرح‌های پیشنهادی در مجلس، یا برای سخنرانی‌های سیاسی و غیر سیاسی ضروری بود، ارسطو بلاغت را «توانایی مشاهده در هر موردی ابزارهای موجود برای متقاعد کردن» تعریف می‌کند و بلاغت را موقعیتی برای درک، کشف و استدلال موقعیت‌های خاص می‌داند.

تحلیل گفتمان[۳] (گفتاری یا نوشتاری) به عنوان تحلیل بیان فراتر ازجمله و حتی متن تعریف می‌شود. بنابراین تحلیلگران گفتمان، علاوه بر تحلیل و تفسیر زبان شناسی جمله، زمینه گفتمان را وسیع تر و جامع تر در نظر می‌گیرند تا متوجه شوند زمینه و پیش

---

۱. Rhetoric

۲. Discourse

۳. Discourse Analysis

زمینه گفتمان چگونه بر معنا، پیام و استفاده آن جمله تأثیر می‌گذارد. ون دایک پدر مطالعات گفتمان کتاب راهنمای تحلیل گفتمان (۱۳۶۴) را نوشته است. مطالعات گفتمان یک ارتباط کلامی برای انتقال معانی و کارکردهای اجتماعی در هر دو زمینه (بافت) خرد و کلان است.. تحلیل زبان شناسی کلام مربوط به سطح خرد، و تحلیل زمینه‌ای (یا بافت) مانند اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی کلام سطح کلان تحلیل گفتمان است. نشانگرهای کلام[1] اصطلاحی است که زبان شناسان به عباراتی مانند خوب، و، اوه، ای، اما می‌گویند که بدین وسیله کلام را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند و رابطه بین بخش‌ها را نشان می‌دهند. به عنوان مثال "اوه" شنونده یا خواننده را برای یک مورد شگفت‌انگیز آماده می‌کند، و "اما" نشان می‌دهد که جمله ی دوم در تقابل با جمله قبلی است. با این حال، این نشانگرها لزوماً به معنای آن چیزی نیستند که فرهنگ لغت می‌گوید. تحلیل کنش کلام[2] به عنوان بخشی از تحلیل گفتمان به بررسی استفاده و کاربرد کلام می‌پردازد؛ به بیانی به این موضوع می‌پردازد که آن کلام برای انجام چه منظوری بیان شده است و چه کنش و واکنشی در شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تحلیل چهارچوب[3] کلام به بررسی موضوع کلام و وضعیت و موقعیت گوینده یا نویسنده کلام می‌پردازد (انجمن زبان شناسی آمریکا ۱۳۹۸[4]).

طرح مسئله

استفهام بلاغی یا پرسش بلاغی از جمله ابزارهای ادبی جهت بررسی اغراض ثانویه در مباحث دانش معانی است. این گونه سوالات برای رسیدن به دانش یا اطلاعاتی و برای راستی آزمایی یا دستیابی به صحت و سقم، و صدق و کذب اطلاعات و موضوعی سؤال نمی‌شوند. بلکه آنها غالبا برای کاربردهای بلاغی مانند شگفتی، تأیید، انکار، اقرار، آرزو، حسرت، گلایه، سرزنش، هشدار و غیره به کار می‌روند. یکی از این جملات استفهام

1. Discourse Markers
2. Speech Acts
3. Frame Analysis
4. https://www. linguisticsociety. org/resource/discourse-analysis-what-speakers-do-conversation

بلاغی، آیه «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ» است که ۳۱ بار در سوره شریفه الرحمن تکرار شده است. این مطالعه می‌خواهد به این پرسش پاسخ گوید که این پرسش استفهامی در علم تحلیل گفتمان و علم بلاغت؛ چه تحلیل، مفهوم و کاربردی می‌تواند داشته باشد. برای پاسخگویی به این پرسش تحقیق ابتدا به معرفی مدل عمومی تحلیل گفتمان ون دایک (۱۳۷۷) پرداخته خواهد شد. سپس بررسی موضوع و محتوای سوره شریف الرحمن و آیه ترجیعی آن در آن مدل، در حد امکان، صورت خواهد گرفت. البته از آنجا که گوینده گفتمان، خداوند رحمان و رحیم است، در تحلیل و تعبیر فرمایشات خداوند حکیم و علیم رعایت ذات غیر مادی و وجود ماوراء الطبیعه باری تعالی مدّ نظر قرار گرفته شده است.

روش تحقیق

تحلیل گفتمان یک روش تحقیق کیفی است که می‌توان آن را به تعبیر و تفسیر استفاده از زبان در موقعیت توصیف کرد. انتخاب این روش به عوامل متعددی مانند نوع متن یا گفتمان، مدل (چهارچوبِ) تحقیق اتخاذ شده و نوع متن یا گفتار بستگی دارد. تحلیل گفتمان یک روش توصیفی پدیدار شناسی است که فراتر از قطعات فنی زبان، مانند کلمات و جملات است و به توصیف و تحلیل معناگرایانه، عملگرایانه، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی.... استفاده از زبان نوشتاری و گفتاری در یک زمینه (بافت) اجتماعی می‌پردازد. مطالعه حاضر بر ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی متمرکز است.

تحلیل گفتمان عمومی ون دایک

ون دایک (۱۳۷۷) مدلی برای تحلیل گفتمان عمومی به نام «شناخت اجتماعی» پیشنهاد داده است. رویکرد شناخت اجتماعی[1] ساختار و فرآیند شکل‌گیری متن را بر اساس روانشناسی اجتماعی[2] بررسی می‌کند. مدل ون دایک بیان می‌کند که تولید یک متن یا گفتمان تحت تأثیر فرآیندهای ذهنی تولیدکنندگان آن است. یک متن یا گفتمان

1. Social Cognition
2. Social Psychology

همچنین بازنمایی از موقعیت ذهنی، اجتماعی و غیره تولیدکنندگان آن و دیدگاه و موقعیت کلی و عمومی از زمینه (بافت)، محیط، شرایط، و اجتماع است. تحلیل گفتمان فرآیند تولید متن و کلام تاثیر افکار عموم و شرایط محیط و جامعه را در تولید آن گفتمان توصیف می‌کند.

تحلیل گفتمان عمومی ون دایک سه بعد دارد: تحلیل عناصر زبانی گفتمان یا متن، تحلیل عناصر شناخت اجتماعی و تحلیل عناصر زمینه (بافت) اجتماعی[1]. تحلیل زبانی متن و گفتمان متن شامل بررسی اصول زبانشناسی و ادبی متن یا گفتمان است که بیانگر مراتب قدرت، ایدئولوژی، پیامها، اثرات و اهداف کلام می‌باشد. تحلیل شناخت اجتماعی فرآیند شکل گیری متن یا گفتمان را با کاوش در قوه ی شناخت تولیدکنندگان متن و گفتمان توصیف می‌کند. تحلیل زمینه (بافت) اجتماعی شرایط و مفاهیمی را توضیح می‌دهد که بر تولید کنندگان متن و گفتمان و خود آن تاثیر گذارده است (اریانتو،۱۳۸۰). سه سطح از عناصر تحلیل گفتمان عمومی ون دایک در شکل ۱ زیر نشان داده شده است.

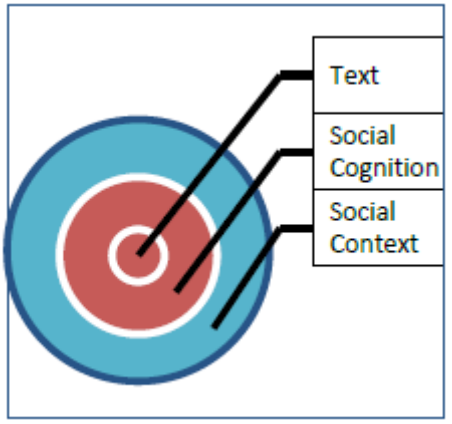

شکل ۱. تحلیل گفتمان عمومی ون دایک(۱۳۷۷) برگرفته از مارنی، وحید و الایمان (۱۳۹۷)

ون دایک عناصر گفتمان و متن را به سه سطح مرتبط و تقویت کننده یکدیگر تقسیم

1. Social Context

می‌کند. این عناصر شامل ساختارهای کلان[1]، روبناها[2] و ریزساختارها[3] است (اریانتو،۱۳۷۹). ساختارهای کلان، معنای کلی گفتمان و متن را از طریق بررسی موضوع اصلی و کلی کلام تحلیل می‌کند. روبناها چارچوب‌هایی هستند که شامل مقدمه، محتوای کلی و اصلی میباشند. ساختارهای خرد معنا، مفاهیم و پیام‌های گفتمان و متن را در موقعیت خاص، از طریق بررسی انتخاب کلمات، ساختار جملات، فنون ادبی، بصری و غیره توضیح می‌دهد. ون دایک (۱۳۷۷) سه راهبرد را برای تحلیل فرآیند شناخت اجتماعی تولیدکنندگان گفتمان و متن پیشنهاد می‌کند: انتخاب موضوع و محتوای کلام، بازتولید کلام و تحولات اجتماعی. زمینه (بافت) اجتماعی متأثر و پیوند دهنده شناخت ذهنی[4] تولیدکنندگان گفتمان یا متن، کل قالب، موضوع و محتوای گفتمان یا متن، و تولید و ارایه آن است. درتحلیل زمینه (بافت) اجتماعی دو بعد وجود دارد: قدرت و دسترسی. قدرت به کنترل یک طرف بر طرف دیگر، قدرت خلق، کنترل ذهن و اختیار مخاطب، و مالکیت موقعیت، سرمایه، و غیره مربوط می‌شود. دسترسی نیز به منابع، پتانسیل‌ها و فرصت‌های مرتبط با قدرت و موقعیت‌ها مانند رسانه‌ها می‌باشد (اریانتو، ۱۳۸۱).

تحلیل گفتمان عمومی سوره الرحمن

سوره مکی الرحمن، با ۷۸ آیه، با یکی از گسترده ترین نام‌های پروردگار به نام "الرحمان" آغاز می‌شود. برخی از مفسران قرآن کریم در باره سبب نزول سوره الرحمن می‌گویند: قریش نام رحمان را کم شنیده بودند. هنگام نزول آیه ۶۰ سوره فرقان: «وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمنِ»، قریش با شنیدن نام "الرحمن" گفتند: "ما الرّحمن؟" در مقابل این لحن و سخن آنان، پروردگار سوره «الرّحمن» را نازل کرد. (بحرانی، ۱۴۱۶ق). نام "رحمان" به جز آن که با کلمه "عبد" همراه باشد، نمی‌تواند بر غیر خدا اطلاق شود چراکه هیچ کس جز خداوند دارای رحمت نیست. البته صفت «رحیم» بر افراد و انسان‌ها نهاده می‌شود؛ چراکه رحمت

1. Macro Structures
2. Superstructures
3. Microstructures
4. Mental Cognition

خاص در انواع و میزان مختلف در انسان‌ها و موجودات دیگر وجود دارد.

در این سوره پس از اولین آیه که نشان دهنده ی موضوع کلی و اصلی، و اساس کل سوره، یعنی نام و وصف "الرحمن" نعمات عام الهی اعم از دنیوی و معنوی بیان می‌شود. رحمانیت بذل نعمات جامع و عام است که البته این جامعیت مشمول نعمات خاص نیز می‌شود. بنابراین رحمانیت، رحمت عام الهی است که تنها در اختیار یک نسل و نژاد و دوره، و زمان و مکان نمی‌شود. بلکه نعمات رحمانی، نعماتی هستند که باید با استفاده و مدیریت صحیح به بهبودی، پیشرفت و توسعه همه جانبه و همگانی منجر شود، بعلاوه بهره برداری و بهره مندی از نعمات عام باید در چهارچوب توسعه پایدار باشد. نعمات رحمانی، نعمات همگانی و عام برای کل نسل‌های بشر و دیگر موجودات هستند. لذا بایسته و شایسته است که استفاده از آنها به گونه‌ای مدیریت گردد که وجود آن نعمات عام، مدام نیز باشند و نسل به نسل قابل دسترسی و بهره وری گردند. یکی از راه‌های حصول این هدف مدیریت توسعه پایدار است.

در برشماری و متذکر شدن رحمات و نعمات الهی، خداوند رحمان اولین و شاید اصلی ترین و پر اهمیت ترین آنها را «تعلیم قرآن» بیان می‌نماید و میفرماید: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ». این نعمتی است که نعمت آفرینش انسان، تعلیم بیان، و نعمات بهشتی به شکل عام برای تمام انسان‌ها معرفی می‌گردد. در آیه‌های بعدی دیگر نعمتهای عمومی برای انسان‌ها و بندگان بیان می‌شود که همان نعمت خلق شدن، بودن و بیان کردن است. در اینجاست که باید قدر و اهمیت نعمت حیات را بدانیم و بهترین بهره را از آن ببریم و وسیله‌ای باشیم که دیگران نیز بهترین استفاده را از نعمت عمر و بودنشان ببرند. هدف کلی از خلقت انسان رشد همه جانبه مادی و معنوی، و تکامل و کمال یافتن و توسعه است، لذا در مبحث به کارگیری، استفاده و مصرف اخلاقی، مفید و موثر نعمات دنیوی و عمومی، برنامه ریزی‌ها باید در راستای توسعه پایدار باشد. منابع زیست محیطی و نعمات عمومی الهی برای عموم انسانهاست و تنها مختص یک نسل نیست.

از دیگر نعمتهای ذکر شده در این سوره بیان و زبان است. زبان قدرت است. زبان، کلام

و گفتمان ابزاری برای بیان کردن افکار و احساسات، و تحت تاثیر قراردادن محیط هستند. از سوی دیگر، افکار و احساسات انسان نیز تحت تاثیر زبان هستند و با زبان و گفتمان شکل می‌گیرند. این نعمت بیان نیز از نعمتهای رحمانی الهی تعریف شده‌اند. خداوند رحمان نیز، هم از ابزارهای عام و عمومی و هم ابزارهای ادبی و بلاغی زبان برای تبیین مفاهیم دنیوی و معنوی برای انسان‌ها بهره می‌گیرد. یکی از ایزارهای علم بلاغت، تکنیک ترجیع بندی، و پرسش بلاغی و استفهامی آیه مبارک «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ» است. به کارگیری این تکنیک، و تکرار و ترجیع آن در علوم تحلیل گفتمان و بلاغت و معانی بیانگر مفاهیم و پیامهایی برای تفکر و آموختن است که در بخش‌های آتی به آنها پرداخته خواهد شد.

یکی از محققان معاصر، محتوای کلی و انواع نعمت‌های دنیوی و اخروی سوره شریف الرحمن در ابعاد عوالم انس و جن، در بخش‌های زیر این گونه بیان می‌نماید:

۱. بخش اول که مقدمه و آغاز سوره است، از نعمت‌های بزرگ خلقت، تعلیم و تربیت، حساب و میزان، وسائل رفاهی انسان، و غذاهای روحی و جسمی او سخن می‌گوید.

۲. بخش دوم، توضیحی است بر چگونگی آفرینش انسان و جن.

۳. قسمت دیگر، بیانگر نشانه‌ها و آیات خداوند در زمین و آسمان است.

۴. بخش چهارم، از نعمت‌های دنیوی فراتر رفته، سخن از نعمت‌های جهان دیگر است که با دقت و ظرافت خاصی ریزه‌کاری‌های نعمت‌های بهشتی -اعم از باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، همسران زیبا و باوفا، و انواع لباس‌ها- توضیح داده شده است.

۵. سرانجام در بخش پنجم این سوره، اشاره کوتاهی به سرنوشت مجرمان و قسمتی از مجازات‌های دردناک آنان آمده است.

گفتنی است؛ از آن‌جا که اساس سوره بر بیان رحمت الهی است. در این قسمت(مجازات مجرمان) توضیح زیادی داده نشده، اما بر عکس نعمت‌های بهشتی به صورت مشروح و گسترده آمده است. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴:۹۱)

همچنین، در آیه‌های ۷ تا ۱۰ خداوند رحمان انسان‌ها را به میزان، سنجیدگی، عدالت و قسط استفاده و مدیریت نعمات برای تمام انسان ها، «لِلْأَنَامِ»، تمام مخلوقات، سفارش و توصیه نموده‌اند که این نیز بر وجوب مدیریت صحیح منابع طبیعی و عمومی همه نسل‌ها و ابنای بشر و به عبارتی توسعه پایدار است تاکید می‌نماید. در این آیات آمده است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ». همچنین خداوند می‌فرماید اگر احسان نمایید، و به تعبیری با مدیریت صحیح کارآمد توسعه پایدار، دیگران و نسل‌های آینده را نیز از نعمات بهره مند سازید، از احسان و انعام بهره مند خواهید شد. خداوند می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ». راغب اصفهانی (۱۱۸:ق۱۴۰۴) در کتاب المفردات في غريب القرآن، احسان را نیکویی کردن و نفع و نعمت بخشیدن به دیگری تعریف می‌کند. وی احسان را فراتر از عدالت می‌داند و بیان می‌دارد: «عدالت آن است که انسان آنچه برعهده اوست بدهد و آنچه سهم اوست بگیرد، ولی احسان این است که بیش از آنچه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست بگیرد». این تعبیر نیز یکی از مزایای توسعه پایدار را نمایان می‌دارد که هم نفع یابی و هم نفع رسانی است. پرهیز از اسراف یا سوء استفاده در بهره برداری از نعمات عام، هم منجر به بهینه سازی از استفاده از منابع موجود و هم موجب کمتر آسیب رساندن به محیط و حفظ محیط زیست و نعمات آن برای خود و نسل‌های آتی می‌گردد. مضافا این که خداوند در آیه ۲۷ و ۲۶ آن سوره شریف می‌فرمایند: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. به این ترتیب، پروردگار به محدودیت میزان و زمان دسترسی به منابع و نعمات طبیعی و همچنین نسل انسان در هر دوره و حتی طول عمر دنیا اشاره می‌فرمایدکه این نیز خود تاکیدی دیگر بر لزوم مدیریت صحیح منابع و توسعه پایدار است. در ادامه خداوند رحمان دو صفت مرتبط با این موضوع را بیان می‌دارد که عظمت و شکوه و جلال بر این قدرت آفرینش، قدرت مطلق و لایزال خلق و اداره هستی، و همچنین سخاوت و اکرام خداوند در ارزانی داشتن این وسعت و حجم از نعمات به تمام انسانها و موجودات است. در آخرین آیه این سوره نیز خداوند همان دو صفت قدرتمند

جلال و اکرام را بیان نموده و سوره را به پایان رسانده و فرمود: تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. سوره الرحمن با رحمت عام خداوند آغاز شد و با بزرگی و بخشندگی باری تعالی نیز به پایان رسید.

تحلیل گفتمان پرسش بلاغی ترجیعی سوره الرحمن

پیامبر اسلام ﷺ سوره الرحمن را عروس‌القرآن نامیده است (شیخ طوسی). زیبایی‌های این سوره هم به لحاظ معنا، محتوا، پیام و پیامدهای آن و هم به لحاظ زیبایی‌های قالب وشیوایی بیان و شیوه زبانی آن است. طبق نظر ابن اثیر (۱۳۱۸:۶۹) بلاغت به معنای انتها، نهایت و وصول، و طبق نظر ابوهلال (۱۳۳۱:۱۲) به معنای زیبایی کلام و معناست. یکی از تکنیک‌های زیباسازی ادبی زبان و گفتمان استفاده از پرسش بلاغی است که از مشخصه‌های معروف و درخشان این سوره شریف می‌باشد. از آنجا که زبان قرآن شیوه‌ای میان نظم و نثر است، به کار بردن تکنیکی شبیه ترجیع بندی به عنوان فن زیباکلامی بلاغت در سوره شریف الرحمن کاملا همسو با نوع گفتمان قرآن کریم است.

ترجیع در لغت به معنای تکرار کردن یا برگرداندن و از قالبهای شعری است. ترجیع‌بند شعری است که از چند بند یا قطعه تشکیل شده که برای اتصال این بند به هم از یک بیت تکراری استفاده می‌شود. موضوع ترجیع‌بند بیشتر مدح و ستایش،عارفانه، عاشقانه و وصف زیبایی‌های طبیعت است. در این نوع گفتمان شاعر با بیانی لطیف، مصراع‌های آخر هر غزل یا قطعه یا قصیده یا بند را به‌گونه‌ای می‌سراید که خواننده آماده خواندن بیت تکراری ترجیعی شود. بیتهای ترجیع می‌توانند بر سه قسم باشند: تمام بیت‌های ترجیع یکسان باشد که در آن صورت ترجیع بند مسمط نیز خوانده می‌شود؛ بیت‌های ترجیع متفاوت باشد، اما قافیه‌های یکسان داشته باشند؛ بیت‌های ترجیع دارای قافیه‌های متفاوت باشد که در آن صورت آن را ترکیب بند می‌نامند (مجیدی، ۱۳۹۰).

در سوره الرحمن آن بیت ترجیعی تکرار شونده یک پرسش بلاغی نیز هست. این گونه خداوند رحمان به زیبایی دو فن بلاغت را به زیبایی و ظرافت با اهداف و تعبیرات عمیق و گسترده به طرز حکیمانه و علیمانه جهت آگاه سازی و توسعه کیفیت و کمیت زندگی

بندگان ادغام و استفاده می‌کند. بسامد و پایداری آیه ترجیعی آن سوره شریف در حوزه دانش معانی نشانه افزایش قدرت تاثیر، اهمیت افزوده و القای معنا، غرض و پیام ثانویه آن آیه ترجیعی ارزشمند است. به این ترتیب خداوند رحمان بندگان را همراه با تاکید و توصیه فراوان به تفکر و آنگاه اقدام دعوت می‌نماید. متعاقبا، با تعبیری استعاری می‌توان اشاره نمود که نتایج خوب و بد انجام یا عدم انجام آن تفکر و اقدام را دستیابی به نعمات بهشت گونه (آیه‌های ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸...) یا تحمل مجازات جهنم وار (آیه‌های ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳ و ۴۴). همانگونه که ملاحظه می‌گردد تعداد آیات مربوط به نعمات بسیار فراتر از نقمات است. لذا می‌توان استنتاج نمود درصورتی که بندگان به درک معنای ثانوی پرسش بلاغی ترجیعی دست یابند و به انجام آن اهتمام ورزند، به حصول حسنات،نعمات، موفقیت‌ها و پیشرفت‌های بسیار فراوانی دست خواهند یافت.

در مجموع، آنچه در تحلیل گفتمان، بلاغت و معناشناسی از سوره شریف الرحمن و آیه بلاغی ترجیعی آن می‌توان برداشت نمود، پنج نکته است: اقرار بندگان به وجود رحمات و نعمات عام الهی، تایید بندگان به عظمت و اهمیت وجود نعمات، اعتراف بندگان به قدرت و رحمت لایزال الهی و عجز آنان در برابر پروردگار، الزام بندگان به تعظیم و شکر و سپاسگزاری خداوند رحمان، و هشدار به بندگان به تلاش برای حفظ نعمتها در عین بهره برداری از آنها. بنابراین، لازم است که بندگان نگاه عمیق تر و وسیع تری به وجود و خلقت خود، و نعمتهای طبیعی پیرامون خود داشته باشند و با مدیریت صحیح به توسعه پایدار دست یابد.

نتیجه

یکی از شیوه‌هایی که در عین لذت بخشی ذهنی و هنری، برای تاثیر گذاری بیشتر معنای اولیه و ثانویه گفتمان به کار می‌رود استفاده از پرسش بلاغی و ترجیعی است. اغراض ثانویه یک گفتمان یا پرسش ترجیعی می‌توانند مکمل یا تالی همدیگر باشند. از آنجا که کلام قرآن کریم محدود به هیچ علم و مکان و زمانی نیست، همواره در تمام ادوار

و موقعیت‌های گوناگون آموزنده و راه گشا است. سوره الرحمن همراه با آیه ترجیعی آن نه تنها آموزه‌های ارزشمندی برای انسانهای وقت نزول خود و شرایط آن زمان داشته است، بلکه راهنمای زندگی فردی و اجتماعی تمام نسل انسان است. یکی از دریچه‌هایی که به منظور پاسخگویی به سوال تحقیق حاضر به مطالعه سوره شریف الرحمن پرداخت، علم تحلیل گفتمان همراه با فنون بلاغت است. معنا و کاربرد آیه بلاغی ترجیعی سوره الرحمن در تار و پود، و زمینه (بافت) کل سوره، مفاهیم انسانی و عملگرایانه‌ای را مطرح می‌نماید. اقرار، اعتراف و تعظیم بندگان در مقابل پروردگار رحمان، هشدار پروردگار به بندگان برای آسیب رساندن به محیط زیست، منابع طبیعی و نعمات الهی معانی ثانوی و کلیدی سوره شریف الرحمن می‌تواند باشد. یکی از اصلی ترین و حیاتی ترین راهبردها برای حفظ محیط زیست مدیریت منابع طبیعی است. از آنجا که هدف از بذل رحمت الهی به انسان‌ها و موجودات بهره برداری از آنها، در جهت رشدو پیشرفت همه جانبه آنها و توسعه انسانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شهری آنها با کمترین آسیب به منابع طبیعی و محیط زیست می‌باشد.

فهرست منابع

ابن اثیر (محمد بن عبد الکریم). (۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش). **المثل السائرفی ادب الکاتب و الشاعر**. ج۱. چاپ مصر.

ابوهلال عسکری. (۱۹۵۲م/۱۳۳۱ ش). **الصناعتین**. دار احیاء الکتب العربیه. چاپ اول.

ارسطو. **بلاغت ارسطو**، کتاب اول، فصل ۲، بخش ۱۳۵۹ (ترجمه دبلیو ریس رابرتز). بایگانی شده از نسخه اصلی در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸. «ارسطو، بلاغت ۱. ۲. ۱». بایگانی شده از نسخه اصلی در ۱۵ آوریل ۲۰۱۲. بازیابی شده در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱.

اریانتو. (۱۳۷۹). **قدرت‌های اقتدارگرا: از جنبش قلدری تا سیاست هژمونی**. یوگیاکارتا: چاپ اینسیست.

اریانتو. (۱۳۸۰). **تحلیل گفتمان: مقدمه‌ای بر تحلیل متن رسانه**. جاکارتا: الکیس.

انجمن زبان شناسی آمریکا. "تحلیل کلام – آنچه گویندگان در گفتگو انجام می‌دهند".. بازیابی شده در ۲۰۱۹-۱۱-۲۵.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق/ ۱۳۷۴ش). **البرهان فی تفسیر القرآن**، بنیاد بعثت: تهران.

راغب اصفهانی (حسین بن محمد بن مفضل). (۱۴۰۴ق/۱۳۶۲ش). **المفردات في غريب القرآن**، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.

طاهری، حمید. (۱۳۸۶). **سوال و اغراض ثانوی آن در غزلیات حافظ**. فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا. ۶۶(۱۷), شماره ۶۸-۶۹ ; ۸۷-۱۱۸.

طبرسی - فضل بن حسن (۵۳۶ ق/ ۵۲۰ ش) **مجمع‌البیان في تفسیرالقرآن**، ترجمه علی کرمی.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۳). **زیباشناسی سخن**، تهران: کتاب ماد. چاپ سوم.

کوربت، ای. پی. جی. (۱۳۶۸). **بلاغت کلاسیک برای دانش آموز مدرن**. نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

یانگ، آر. آی؛ بکر، ای. ال؛ پایک، کی، ال. (۱۳۴۹). **بلاغت: کشف و تغییر**. نیویورک: هارکورت بریس و جهان.

مارنی، اس.؛ وحید، اِی؛ الایمان، محمد. (۱۳۹۷). **بازنمایی قدرت‌های نخبگان: تحلیل گفتمان ریزساختار "مدرسه تمام روز"**. چهارمین همایش بین المللی آموزش همزن وادی (چهارمین کنفرانس بین المللی آموزش).

مجیدی، نصرت الله. (۱۳۹۰). **آرایه‌های ادبی**. نشر اسماعیلیان.

مقیمي، فاطمه؛ نیك منش، مهدي. (۱۳۹۲). کارکرد استفهام بلاغي در شعر قیصر امین پور.. جستارهای نوین ادبی. ۴۶ (۲). (مسلسل ۱۸۱). ۱۲۱-۱۴۴.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**،، دارالکتب الاسلامیة، تهران.

ون دایک، تی. اِی. (۱۳۶۴). **کتاب راهنمای تحلیل گفتمان**. لندن؛ اورلاندو: انتشارات آکادمیک.

ون دایک، تی. اِی. (۱۳۷۷). اخبار به عنوان گفتمان نیوجرسی و لندن: شرکت ناشران لارنس الاورنس همکاران.

Aristotle's Rhetoric, Book I, Chapter 2, Section 1359 (trans. W. Rhys Roberts)". Archived from the original on 16 September 2008. ; "Aristotle, Rhetoric 1. 2. 1". Archived from the original on 15 April 2012. Retrieved 19 October 2011.

Corbett, E. P. J. (1990). Classical rhetoric for the modern student. New York: Oxford University Press. p. 1. ; Young, R. E. , Becker, A. L. , and Pike, K. L. (1970). Rhetoric: discovery and change. New York: Harcourt Brace & World. p. 1.

Eriyanto. (2000). Kekuasaan Otoriter: Dari Gerakan Penindasan Menuju Politik Hegemoni [Authoritarian Powers: From the Movement of Bullying to Hegemony Politics]. Yogyakarta: Insist Press.

Eriyanto. (2001). Analisis Wacana: Pengantar Analisis Teks Media [Discourse Analysis: Introduction to Media Text Analysis]. Jakarta: LKiS.

Marni, Silva; Wahid, Abdul; Aliman, Muhammad. (2018). Presentation of Elite Powers: Microstructure Discourse Analysis "FULL DAY SCHOOL". Conference Paper · November 2018. The 4th Hamzanwadi International Conference on Education (4th HICE).

Van Dijk. T. A. (1985). The Handbook of Discourse Analysis. London ; Orlando: Academic Press.

Van Dijk, T. A. (1998). News as Discourse. New Jersey & London: Lawrence Elawrence Associates Publishers.